

باسمه تعالی

برنامه اصلاح نرخ ارز ترجیحی
مبتنی بر حمایت از تولید داخلی و معیشت مردم



گزارش کارشناسی ۱۴۰۰۱۱۰۱

بهمن ۱۴۰۰

خلاصه مدیریتی

در حال حاضر سالانه حدود ۱۵ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی به ۷ دسته کالایی تخصیص پیدا می‌کند. دولت با این استدلال که تخصیص این منابع انحراف دارد و به طور کامل به هدف اصابت نکرده و همچنین به منظور کاهش بخشی از کسری بودجه، به دنبال حذف ارز ترجیحی حداقل برای ۵ دسته کالایی عبارت از ذرت، دانه سویا، کنجاله سویا، جو و روغن خوراکی است و البته بنا دارد این اقدام به گونه ای انجام شود که کمترین آسیب را برای معیشت مردم ایجاد نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهد انحراف ارز ترجیحی در سال‌های اخیر و به ویژه پس از کاهش دامنه شمول کالاها، به شدت کاهش یافته است؛ با این حال، استمرار چنین سیاستی نیز محل بحث بوده و باید نسبت به آن هر چه سریعتر تصمیم‌گیری و جلوی اختلاف بیشتر ارز ترجیحی و نیمایی گرفته شود. نتیجه بررسی‌های کارشناسی حاکی از آن است که «گزینه بهتر و کم هزینه تر پیش روی دولت» به جای حذف یکباره ارز ترجیحی، «اصلاح نرخ ارز ترجیحی» در یک فرآیند مبتنی بر «حمایت از تولید داخلی و معیشت مردم» است؛ که باید با دقت نظر در مواردی همچون «میزان پرداخت مستقیم جهت تناسب با افزایش هزینه‌های مردم» و «تدبیر برای تامین سرمایه در گردش تولیدکنندگان» در دستور کار قرار گیرد.

بر این اساس اقدامات ذیل در قالب «برنامه اصلاح نرخ ارز ترجیحی» پیشنهاد می‌شود:

- ۱) افزایش نرخ خرید تضمینی گندم به منظور کاهش تخصیص ارز برای واردات این محصول: با افزایش نرخ خرید تضمینی گندم از ۷۵۰۰ به ۹۰۰۰ تومان در سال آتی، میزان واردات این محصول ۵ میلیون تن کاهش می‌یابد و حدود ۲ میلیارد دلار صرفه جویی ارزی از این محل اتفاق می‌افتد. دولت می‌تواند منابع حاصل از این اقدام را با نرخ نیما در بازار عرضه نماید تا علاوه بر مدیریت بازار ارز، از درآمد آن برای خرید تضمینی استفاده کند.
- ۲) اصلاح نرخ ارز ترجیحی کالاهای ۵ گانه به ۱۴ هزار تومان به جای حذف یکباره: اصلاح تدریجی نرخ ارز می‌تواند اثرات منفی اجرای این سیاست را کاهش دهد و برآوردی از وضعیت اجرا برای پیاده‌سازی اصلاحات تکمیلی ایجاد نماید. به همین منظور پیشنهاد می‌شود نرخ ارز ترجیحی برای ۵ کالای ذرت، دانه سویا، کنجاله سویا، جو دامی و روغن خوراکی در مرحله اول از ۴۲۰۰ تومان به ۱۴ هزار تومان (معادل ۵۰ درصد افزایش یکباره نرخ ارز ترجیحی به نرخ ارز نیمایی) افزایش یابد.

۳) پرداخت یارانه ۲۰۰ هزار تومانی به ۸ دهک از محل اصلاح نرخ ارز ترجیحی و تجمیع سایر یارانه‌ها: ضروری است تمام منابع حاصل از اصلاح نرخ ارز ترجیحی در قالب یارانه به دهک های نیازمند تخصیص یابد. این منابع در کنار تجمیع و ساماندهی سایر یارانه های موجود، امکان تخصیص یارانه ۲۰۰ هزار تومانی به ۶۸ میلیون نفر را فراهم می‌کند. پرداخت یارانه کالایی نسبت به یارانه ریالی پیچیدگی ها و مسائل متعددی دارد و پیشنهاد نمی‌شود.

۴) تامین تسهیلات سرمایه در گردش برای تولیدکنندگان از محل سپرده های قرض الحسنه جاری بانکها: تولیدکنندگان پس از افزایش نرخ ارز ترجیحی نیازمند حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان منابع جدید هستند که به منظور جلوگیری از کاهش تولید و افزایش هزینه های تولید، باید از محل سپرده های قرض الحسنه جاری بانکها در قالب سرمایه در گردش ۳ و ۶ ماهه با تسهیل در فرآیند ضمانت و پرداخت، برای آنها تامین شود.

پس از اجرای برنامه پیشنهادی، دولت و مجلس می‌توانند نتایج را سنجیده و مراحل بعدی را اجرایی نمایند. در واقع ضروری است حداقل ۶ ماه «برنامه اصلاح نرخ ارز ترجیحی» پیاده سازی و آثار آن مورد بررسی قرار گیرد و سپس برای گام های بعدی تصمیم گیری شود تا بیشترین مراقبت از تولید داخلی و معیشت مردم حاصل گردد و با «تصمیمات دفعتی» که ممکن است آثار جبران ناپذیری داشته باشد، جلوی اصلاحات مورد نیاز در کشور گرفته نشود.

فهرست مطالب

خلاصه مدیریتی.....	۲
مقدمه.....	۴
یک) افزایش نرخ خرید تضمینی گندم به منظور کاهش تخصیص ارز برای واردات این محصول.....	۷
دو) اصلاح نرخ ارز ترجیحی کالاهای ۵ گانه به ۱۴ هزار تومان به جای حذف یک باره.....	۱۰
سه) پرداخت یارانه ۲۰۰ هزار تومانی به ۸ دهک از محل اصلاح نرخ ارز ترجیحی و تجمیع سایر یارانه‌ها.....	۱۱
چهار) تامین تسهیلات سرمایه در گردش برای تولیدکنندگان از محل سپرده های قرض الحسنه جاری بانکها.....	۱۳

مقدمه

دولت سیزدهم به منظور مدیریت منابع ارزی و تراز بودجه سال ۱۴۰۱ بنا دارد ارز ترجیحی کالاهای اساسی به غیر از دارو و تجهیزات پزشکی و گندم را در لایحه بودجه سال آینده حذف نماید.^۱

طی سال جاری گندم، ذرت، دانه سویا، کنجاله سویا، جو دامی، روغن خوراکی و دارو و تجهیزات پزشکی جزو ۷ دسته کالای مشمول دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی بوده‌اند که منابع ارزی اختصاص یافته به آنها در مجموع حدود ۱۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود.

میزان ارز ترجیحی (میلیارد دلار)	کالا
۳	دارو و تجهیزات پزشکی
۳	گندم
۹	ذرت، دانه سویا، کنجاله سویا، جو، روغن ^۲
۱۵	مجموع

دولت قصد دارد با «حذف ارز ترجیحی» برای واردات کالاهای فوق، از سال جدید برای واردات این محصولات ۵ گانه ارز نیمایی اختصاص دهد. استدلال دولت در این زمینه که سازمان برنامه و بودجه حامی و پیگیر اصلی آن است، نبود امکان ادامه این سیاست به دلیل کمبود منابع ارزی و مهمتر از آن «کسری بودجه» است. در واقع بنا بر این است تا با حذف ارز ترجیحی،

^۱ بررسی لایحه پیشنهادی دولت برای بودجه سال آتی، توضیحات تکمیلی رئیس سازمان برنامه و بودجه و همچنین «طرح پیشنهادی» دولت به کمیسیون تلفیق بودجه مجلس شورای اسلامی.

^۲ واردات این ۵ محصول برابر با آمار ۹ ماهه ۱۴۰۰ حدود ۷,۵ میلیارد دلار بوده که تا پایان سال ۹ میلیارد دلار برآورد می‌شود. هر چند میانگین واردات سالانه این محصولات در سال‌های گذشته حدود ۸ میلیارد دلار بوده است اما مبنای محاسبه همان ۹ میلیارد دلار است.

بخشی از درآمد حاصل صرف رفع کسری بودجه شود و بخشی نیز به منظور جبران افزایش هزینه های ناشی از آن، به مردم

اختصاص یابد. مطابق با برنامه دولت:

- ارزش ترجیحی برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی (حدود ۳ میلیارد دلار) کماکان تخصیص خواهد یافت و حذف نمی شود.

- ارزش واردات گندم (حدود ۳ میلیارد دلار) کماکان در سال آتی برقرار خواهد بود. (چنین تصمیمی منجر به هدررفت منابع ارزی و مانع خودکفایی در تولید این محصول راهبردی می شود)

- حذف ارزش ترجیحی برای محصولات ۵ گانه (حدود ۹ میلیارد دلار) در دستور کار است. (برآوردها نشان می دهد این اقدام باعث «افزایش حداقل ۱۰۰ درصدی قیمت بعضی مایحتاج اساسی همچون گوشت مرغ» می شود که در این شرایط کشور و پس از تورم های متوالی، بر معیشت مردم فشار زیادی وارد می کند)

- در ازای حذف ارزش ترجیحی، بخشی از درآمدها در قالب منابع جدید یارانه ای به مردم تخصیص خواهد یافت و بخشی برای رفع کسری بودجه دولت مورد استفاده قرار می گیرد. طبق طرح پیشنهادی دولت، یارانه ای که به هر نفر پس از حذف ارزش ترجیحی اختصاص خواهد یافت ۱۱۰ هزار تومان است. (این عدد با رشد مستقیم و غیرمستقیم هزینه های ناشی از حذف ارزش ترجیحی در مایحتاج اساسی مردم تناسب ندارد و منجر به نارضایتی گسترده اجتماعی می شود)

انحراف بخشی از «ارز ترجیحی» و عدم «اصابت کامل» آن به اهداف، یکی از مسائلی است که در لزوم حذف ارزش ترجیحی گفته می شود. با این حال، این انحراف به ویژه پس از کاهش دایره شمول کالاهای دریافت کننده ارزش ترجیحی، به شدت

کاهش یافته است. همچنین در شرایطی که عدم تخصیص این منابع، قیمت بعضی کالاهای اساسی را به میزان قابل توجهی

افزایش می دهد، حذف ارزش ترجیحی ملاحظات متعددی دارد و حاکی از آن است که تخصیص این منابع تا حد قابل توجهی

^۳ انحراف ارزش ترجیحی در سال اخیر و به ویژه پس از کاهش محصولاتی که مشمول این منابع می شوند، به شدت کاهش یافته است. به همین دلیل حذف ارزش ترجیحی این محصولات افزایش قیمت قابل توجهی به همراه خواهد داشت.

باعث کاهش قیمت شده است. لذا نمی توان این استدلال را برای حذف ارز ترجیحی کافی دانست و صرفاً به آن استناد نمود. اما در مجموع، استمرار چنین سیاستی نیز محل بحث بوده و به هر حال باید نسبت به آن هر چه سریعتر تصمیم گیری و جلوی اختلاف بیشتر ارز ترجیحی و نیمایی گرفته شود.

نتیجه بررسی های کارشناسی حاکی از آن است که «گزینه بهتر و کم هزینه تر پیش روی دولت» به جای حذف یکباره ارز ترجیحی، «اصلاح نرخ ارز ترجیحی» در یک فرآیند مبتنی بر «حمایت از تولید داخلی و معیشت مردم» است؛ که باید با دقت نظر در مواردی همچون «میزان پرداخت مستقیم جهت تناسب با افزایش هزینه های مردم» و «تدبیر برای تامین سرمایه در گردش تولیدکنندگان» در دستور کار قرار گیرد و در این گزارش به آن پرداخته شده است.

از آنجا که هم اکنون این موضوع در مجلس شورای اسلامی مورد بحث است و باید راجع به آن تصمیم گیری شود، اقدامات ذیل به منظور اتخاذ تصمیمی بهینه «از منظر اقتصادی» و «با کمترین تبعات اجتماعی» پیشنهاد می شود.^۴

پس از اجرای اقدامات پیشنهادی، دولت و مجلس می توانند نتایج را سنجیده و مراحل بعدی را اجرایی نمایند. در واقع ضروری است حداقل ۶ ماه «برنامه اصلاح نرخ ارز ترجیحی مبتنی بر حمایت از تولید داخلی و معیشت مردم» پیاده سازی و آثار آن مورد بررسی قرار گیرد و سپس برای گام های بعدی تصمیم گیری شود تا بیشترین مراقبت از تولید داخلی و معیشت مردم حاصل شود و با «تصمیمات دفعتی» که ممکن است آثار جبران ناپذیری داشته باشد، جلوی اصلاحات مورد نیاز در کشور گرفته نشود.

^۴ در این گزارش به تخصیص ارز ترجیحی دارو و تجهیزات پزشکی پرداخته نشده است و بهتر است در مرحله اول برای اقدام در این زمینه، این مورد استثناء شود.

یک) افزایش نرخ خرید تضمینی گندم به منظور کاهش تخصیص ارز برای واردات این محصول

تولید داخلی گندم به عنوان راهبردی ترین محصول کشاورزی در سال جاری با مشکل جدی مواجه گردید. علیرغم خودکفایی گندم در سال‌های اخیر، دولت امسال حدود ۸ میلیون تن از این محصول را وارد کرده است که معادل بیش از نصف نیاز داخلی بوده و یک خطر جدی برای «امنیت غذایی» کشور محسوب می‌شود. ضمن اینکه این میزان واردات، به حدود ۳ میلیارد دلار منابع ارزی نیاز دارد.

مهمترین عامل کاهش تولید گندم و وابستگی کشور به واردات این محصول راهبردی در سال جاری، «تعیین نرخ نامتناسب برای خرید تضمینی گندم» بوده است. این نرخ در حالی برای سال زراعی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ معادل ۷۵۰۰ تومان تعیین شد که دولت برای واردات هر کیلو گندم، در صورتی که با نرخ سامانه نیما و هزینه‌های واردات محاسبه شود، باید بیش از ۸۵۰۰ تومان هزینه نماید. البته محاسبه واردات گندم با نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی، هزینه‌ای به مراتب پایین‌تر از ۷۵۰۰ تومان برای دولت به همراه دارد.^۵ اما چنین محاسبه‌ای اصولاً درست نیست، آن هم در شرایطی که دولت می‌تواند این منابع ارزی را در بازار داخلی عرضه کند تا علاوه بر مدیریت بازار ارز، با استفاده از درآمد آن، نرخ خرید تضمینی گندم را به میزان قابل توجهی بهبود دهد و از تولیدات داخلی به صورت مستقیم حمایت نماید.

^۵ ارز تخصیص یافته به واردات گندم با دیگر کالاها متفاوت است. این محصول به صورت مستقیم توسط دولت وارد شده و با نرخی بسیار پایین‌تر (۶۶۵ و ۹۰۰ و ۲۷۰۰ تومان) در اختیار کارخانجات آردسازی و سپس نانوايي ها قرار می‌گیرد و در بازار عرضه عمومی نمی‌شود. در نتیجه منظور از تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات گندم، تنها یک شیوه محاسباتی است و به مانند تخصیص ارز برای دیگر کالاها نیست. لذا در صورتی که دولت در محاسبات خود برای هزینه این واردات، نرخ نیما را لحاظ کند، هزینه واردات بسیار بیشتر از خرید تضمینی گندم از کشاورزان داخلی می‌شود. لذا منظور از حذف ارز ترجیحی گندم این است که دولت به جای ارز ۴۲۰۰، محاسبه هزینه واردات این محصول را با ارز نیما انجام دهد و بر اساس آن، نرخ خرید تضمینی گندم را تعدیل و اصلاح نماید.

در واقع شیوه فعلی قیمت‌گذاری گندم به معنای پرداخت یارانه به تولیدکنندگان خارجی بوده و با رویکرد «حمایت از تولید داخل و خودکفایی» آن هم در این «کالای راهبردی» در تضاد است، چرا که از یک سو، انگیزه کشاورزان برای تولید این محصول را کاهش داده و باعث شده است در بعضی مناطق، «تولید محصولات غیرراهبردی و به شدت آب‌بر» جایگزین گندم شود. از سوی دیگر، انگیزه کشاورزان در فروش گندم به دولت را نیز کاهش داده و به «صادرات قاچاقی» این محصول یا «استفاده از آن به عنوان خوراک دام» منجر شده است.

به عنوان مثال، در سال جاری به دلیل افزایش قیمت نهاده‌های تولید نظیر کود، سم و بذر و تعیین نامناسب نرخ خرید تضمینی، تولید گندم حدود ۳۰ درصد نسبت به سال گذشته کاهش یافت. همچنین حدود ۵ میلیون تن از گندم‌های تولیدی کشاورزان به دولت فروخته نشد. لذا دولت برای تامین حدود ۱۲ میلیون تن گندم معادل نیاز داخلی برای مصرف و ذخیره‌سازی، مجبور به واردات ۸ میلیون تنی این محصول شده، در حالی که میزان خرید از کشاورزان داخلی تنها حدود ۴ میلیون تن بوده است. برای واردات ۸ میلیون تن گندم، در صورتی که با نرخ ارز سامانه نیما محاسبه شود، بیش از ۷۰ هزار میلیارد تومان هزینه شده است. در واقع دولت در سال جاری برای واردات هر کیلو گندم بیش از ۸۵۰۰ تومان هزینه کرده، در حالی که گندم کشاورزان را ۵ هزار تومان خریداری کرده است. در این شرایط با توجه به قیمت ۷۵۰۰ تومانی خرید تضمینی گندم برای سال آینده، واردات مجدد ۸ میلیون تن گندم در سال ۱۴۰۱ نیز محتمل است که نیازمند حدود ۳ میلیارد دلار منابع ارزی است. حال در صورتی که نرخ خرید تضمینی گندم افزایش یابد و حدود ۹ هزار تومان تعیین شود:

۱) گندم تولیدی و خرید تضمینی از کشاورزان حداقل ۵ میلیون تن افزایش خواهد یافت (با توجه به میزان تولید سال گذشته از محل افزایش تولید و افزایش فروش گندم تولیدی کشاورزان به دولت) و از ۴ به ۹ میلیون تن می‌رسد. همچنین هزینه دولت برای تولید و خرید تضمینی گندم از حدود ۳۰ به ۸۱ هزار میلیارد تومان خواهد رسید که ۵۱ هزار میلیارد بیشتر است.

۲) نیاز به واردات در این محصول راهبردی، از ۸ به ۳ میلیون تن خواهد رسید و در نتیجه نیاز ارزی واردات از ۳ به حدود ۱ میلیارد دلار می‌رسد. لذا دولت می‌تواند با فروش ۲ میلیارد دلار ارز صرفه جویی شده به نرخ نیمه، علاوه بر تامین منابع لازم برای خرید تضمینی (با نرخ ۹ هزار تومانی) و نزدیک شدن به خودکفایی در این محصول راهبردی، بازار ارز را نیز مدیریت نماید.

بنابراین پیشنهاد می‌شود در سال آتی، نرخ خرید تضمینی گندم به ۹ هزار تومان افزایش یابد تا در تخصیص ارز برای واردات این محصول حدود ۲ میلیارد دلار صرفه جویی شده و از این منابع ارزی، برای مدیریت بازار ارز و تامین منابع لازم برای خرید تضمینی استفاده شود. این اقدام علاوه بر اینکه تأثیری بر قیمت کالاهای مورد نیاز مردم نخواهد داشت، زمینه حمایت از کشاورزان داخلی و خودکفایی در این محصول راهبردی را نیز فراهم می‌کند.

لازم به ذکر است که تقریباً تمام هزینه دولت برای تامین گندم، چه به صورت ارزی برای واردات و چه به صورت ریالی برای خرید تضمینی، با توجه به نرخی که برای فروش این کالا به نانوایی‌ها، صنف و صنعت وجود دارد، معادل یارانه است و در صورتی که دولت بنا دارد این یارانه غیرمستقیم که باعث کاهش قیمت نان شده را کم کند، باید در یک برنامه تدریجی جداگانه برای آن تدبیر نماید که محل بحث این گزارش نیست.

دو) اصلاح نرخ ارز ترجیحی کالاهای ۵ گانه به ۱۴ هزار تومان به جای حذف یک باره

بررسی ها نشان می دهد قیمت مایحتاج اساسی مردم از جمله گوشت مرغ و تخم مرغ پس از حذف ارز ترجیحی، تغییر قابل توجه خواهد داشت. به عنوان نمونه، حداقلی ترین برآوردها حاکی از افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت گوشت مرغ پس از حذف ارز ترجیحی نسبت به وضعیت فعلی است، آن هم در شرایطی که طی سال های اخیر، تورم های بالا باعث شده سبد مصرف مردم به ویژه در دهک های متوسط و پایین درآمدی عمدتاً به گوشت مرغ وابسته شود و سهم دیگر محصولات مشابه و جایگزین کاهش یابد.

از آنجا که حذف ارز ترجیحی منجر به افزایش قابل توجهی در کالاهای اساسی وابسته به آن خواهد شد، می تواند تبعات اجتماعی و اقتصادی گسترده ای داشته باشد. لذا طبق تجربه باید در چنین مواردی، جانب اعتدال رعایت شود و با بررسی و تحلیل هر قدم، قدم های بعدی برداشته شود.

اصلاح تدریجی نرخ ارز می تواند اثرات منفی اجرای این سیاست را کاهش دهد و برآوردی از وضعیت اجرا برای پیاده سازی اصلاحات تکمیلی ایجاد نماید. به همین منظور پیشنهاد می شود نرخ ارز ترجیحی برای ۵ کالای ذرت، دانه سویا، کنجاله سویا، جو دامی و روغن خوراکی در مرحله اول از ۴۲۰۰ تومان به ۱۴ هزار تومان (معادل ۵۰ درصد افزایش یکباره نرخ ارز ترجیحی به نرخ ارز نیمایی) افزایش یابد.

لازم به ذکر است، همانطور که گفته شد انحراف ارز ترجیحی پس از کاهش شمول کالاهای دریافت کننده به حداقل رسیده است، اما لازم است دولت اقدامات لازم برای جلوگیری از این حداقل انحراف را نیز کماکان در دستور داشته باشد.

سه) پرداخت یارانه ۲۰۰ هزار تومانی به ۸ دهک از محل اصلاح نرخ ارز ترجیحی و تجمیع سایر

یارانه‌ها

به منظور اصلاح تدریجی نرخ ارز از ۴۲۰۰ تومان به ۱۴ هزار تومان و با توجه به افزایش نرخ کالاهای اساسی حاصل از این افزایش، پرداخت یارانه به اقشار متوسط و پایین درآمدی ضروری است.

افزایش مستقیم و غیرمستقیم هزینه هر نفر در تامین مایحتاج اساسی خود پس از اصلاح نرخ ارز ترجیحی، بر اساس محاسبات مختلف متفاوت است^۸ و در بعضی محاسبات، این عدد حتی بیش از درآمدی خواهد بود که از محل تغییرات ارز ترجیحی، برای دولت حاصل می شود. با این حال، به منظور کاهش آثار و تبعات اجتماعی و اقتصادی حاصل از اصلاح نرخ ارز ترجیحی به حداقلی ترین حالت ممکن و اعمال بیشترین حمایت از معیشت مردم، ضروری است دولت از منابع حاصل از اصلاح نرخ ارز ترجیحی برای کاهش کسری بودجه استفاده نکند و درآمد حاصل از این اقدام را به طور کامل بین دهک‌های نیازمند جامعه تقسیم نماید.

بررسی ها نشان می دهد هزینه های حاصل از اصلاح نرخ ارز ترجیحی برای ۸ دهک پایین جامعه حتما باید جبران شود، چرا که این دهک ها به دلیل «دارایی و ثروت کم و درآمد پایین» بیشترین تاثیر منفی را از این اقدام متحمل خواهند شد. در نتیجه حدود ۶۸ میلیون نفر باید مشمول دریافت یارانه حاصل از اصلاح نرخ ارز ترجیحی باشند تا پس از افزایش قیمت‌ها، امکان خرید حداقلی مطابق با استاندارد غذایی وزارت بهداشت برای آنها فراهم باشد.

^۸ بر اساس مصرف حداقلی افراد مطابق با استاندارد وزارت بهداشت

همچنین از آنجا که تخصیص «یارانه کالایی» علیرغم مزایایی همچون جبران واقعی کاهش قدرت خرید مردم، پیچیدگی‌ها و مسائل متعددی دارد، تخصیص «یارانه ریالی» پیشنهاد می‌شود. یارانه کالایی به دلایل زیر پیشنهاد نمی‌شود:

- منجر به فروش کالاهای تخصیصی و یا ایجاد بازار سیاه حول آن می‌شود و هدف تخصیص یارانه کالایی که جلوگیری از کاهش مصرف مردم است را لزوماً محقق نمی‌کند.
- کیفیت کالاهای تخصیصی نسبت به کالاهای عادی ممکن است تفاوت کند و حق مردم ضایع شود.
- پیاده‌سازی آن در کل کشور نیاز به زیرساخت‌های جدید و هزینه بر دارد.
- مسئله تعیین قیمت کالاهای تخصیصی در آینده به مسئله‌ای جدید و محل مناقشه تبدیل می‌شود.
- از لحاظ اجتماعی در بعضی موارد شان مردم را پایین می‌آورد و منجر به ایجاد صف می‌شود.

اصلاح نرخ ارز ترجیحی به ۱۴ هزار تومان برای ۹ میلیارد دلار منابع ارزی، حدود ۹۰ هزار میلیارد تومان درآمد برای دولت به همراه دارد؛ در نتیجه از این محل می‌توان به هر نفر از ۸ دهک پایین درآمدی حدود ۱۱۰ هزار تومان یارانه تخصیص داد. بنابراین در صورتی که دولت سایر یارانه‌ها را نیز تجمیع نموده و بر ۸ دهک متمرکز نماید، می‌تواند به هر ایرانی در سال ۱۴۰۱ در صورتی که در این بازه درآمدی باشد، حدود ۲۰۰ هزار تومان یارانه پرداخت کند. البته باید امکان حذف افراد خارج از این جامعه شمول توسط دولت و اضافه شدن افرادی که در این جامعه شمول هستند و به هر دلیل یارانه آنها قطع شده نیز فراهم شود.

چهار) تامین تسهیلات سرمایه در گردش برای تولیدکنندگان از محل سپرده های قرض الحسنه

جاری بانکها

یکی از الزامات اصلاح نرخ ارز واردات اقلام اساسی از ۴۲۰۰ تومان به ۱۴ هزار تومان، تامین نیاز تولیدکنندگان به سرمایه در گردش برای خرید مواد اولیه وارداتی (جو، دانه سویا، کنجاله سویا و ذرت با ارزش حدود ۷ میلیارد دلار) با قیمت های جدید است. این سرمایه در گردش حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان برآورد می شود و در صورتی که تامین نشود، ظرفیت تولید کالاهایی که به این محصولات وابسته هستند، کاهش یافته و واردات آنها افزایش خواهد یافت. همچنین در صورتی که این منابع از طریق تسهیلات دارای سود تامین شود، هزینه های تولید را افزایش می دهد.

تامین سرمایه در گردش ۳ و ۶ ماهه به صورت قرض الحسنه از محل سپرده های قرض الحسنه جاری بانک ها، به گونه ای که سازوکارهای تامین وثایق آن به میزان کافی تسهیل شده باشد و نیاز به ضمانت های زمان بر نداشته باشد، یکی از مسیرهای ممکن برای تامین ۷۰ هزار میلیارد تومان منابعی است که تولیدکنندگان به منظور تامین تفاوت قیمت فعلی و جدید مواد اولیه خود باید در اختیار داشته باشند. از آنجا که اصلاح ارز ترجیحی برای کالاهای مرتبط با غذای اساسی مدنظر است، چنین فرآیندی باید از طریق بانک کشاورزی و کمک دیگر بانک های دولتی و با نظارت سامانه بازارگاه انجام شود و البته با رهگیری هوشمندانه، از انحراف آن جلوگیری شود.

^۹ روغن چون محصول نهایی محسوب می شود، از این دامنه خارج شده است.

^{۱۰} استفاده از ۵۰ درصد سپرده های قرض الحسنه جاری بانکها برای پرداخت وام قرض الحسنه، در تبصره ۱۶ لایحه بودجه دولت پیش بینی شده است. این تسهیلات می تواند از آن محل که منابع آن برای سال آتی حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می شود، پرداخت گردد.